

فلسفه امتحانات الهی و ارتباط آن‌ها با رشد و تکامل انسان

فلسفه امتحانات الهی چیست و چگونه زمینه رشد انسان را فراهم می‌کنند؟

در مورد فلسفه امتحانات الهی سؤالات متعددی در ذهن افراد وجود دارد. اولین و رایج‌ترین سؤال این است که فلسفه امتحانات الهی چیست؟ خدا که از درون ما خبر دارد، پس چرا ما را آزمایش می‌کند؟ قبل از پاسخ دادن به این سؤال به جملات زیر توجه کنید:

«همیشه فکر می‌کردم فلانی آدم محبوب و باحیایی است؛ اما امروز چنان رفتار زنده‌ای از او سر زد، که شوکه شدم!»

«فکر می‌کردم فلانی آدم خسیس و ناخن‌خشی است؛ اما امروز فهمیدم بسیار سخاوتمند و دست‌ودلباز است!»

«فلانی آدم مؤدب و بانزاکتی به نظر می‌آمد؛ اما امروز فحش‌هایی از دهانش شنیدم، که شاخ درآوردم!»

احتمالاً شما هم این قبیل جملات را استفاده کرده، یا از زبان دیگران شنیده‌اید. جملاتی که نشان می‌دهد شناخت ما از دیگران آنقدرها که فکر می‌کردیم، کامل نبوده است. دلیل این موضوع مخفی بودن باطن افراد است. اغلب آدم‌ها تا زمانی که در بوتهٔ آزمایش قرار نگیرند و به من حیوانی آن‌ها فشار وارد نشود، شخصیت واقعی خود را بروز نمی‌دهند. «در دگرگونی‌های احوال و زمانه است، که جوهر درونی مردان شناخته می‌شود و روزگار نیت‌های پنهان آن‌ها را برای شما آشکار می‌سازد.»^۱ شرایط دشوار، مصیبت‌ها، دوراهی‌ها و تنگناها زمینه‌ساز بروز دارایی‌های درونی و مکتسبات نفسی هستند. فلسفه امتحانات الهی نیز همین است.

۱ امام علی (علیه‌السلام): «فِي تَقَلُّبِ الْأَوَالِ غَلِمَ جَوَاهِرُ الرِّجَالِ وَالْأَيَّامُ تُوضِحُ لَكَ الشَّرَائِرَ الْكَامِنَةَ» بحار الأنوار؛ ج ۷۷، ص ۲۸۶، ح ۱

علم خدا بی‌نهایت است و از گذشته و آینده همه افراد خبر دارد؛ بنابراین فلسفه امتحانات الهی آشکار شدن درونیات ما برای خدا نیست. خدا ما را امتحان می‌کند، نه به این دلیل که از درون ما خبر ندارد؛ بلکه به این دلیل که می‌خواهد خودمان، خودمان را بهتر بشناسیم و از معایب و محاسنی که در اعماق وجودمان نهفته است، آگاهی پیدا کنیم. دقیقاً مثل کاری که مربی باشگاه انجام می‌دهد.

وقتی به باشگاه مراجعه می‌کنید، مربی به شما تمرینات سخت می‌دهد و از رهگذر این تمرین‌ها، تکتک اندام‌ها و عضلات بدن‌تان را به چالش می‌کشد. تازه آنجاست که می‌فهمید ریه‌تان به خوبی اکسیژن‌رسانی نمی‌کند، یک پای‌تان از پای دیگر ضعیف‌تر است، موقع انجام بعضی حرکات استخوان‌های‌تان صدا می‌دهد و مشکلاتی از این قبیل، که امکان ندارد در حالت عادی متوجه آن‌ها شوید. البته در شرایط فشار، فقط ضعف‌ها نیستند که آشکار می‌شوند؛ بلکه توانایی‌ها هم به همان اندازه فرصت بروز و ظهور پیدا می‌کنند؛ مثلاً ممکن است شما خود را از لحاظ قدرت بدنی فرد ضعیفی بدانید. اما وقتی در شرایط فشار قرار می‌گیرید، متوجه قابلیت‌هایی در بدن خود می‌شوید که پیش از آن، حتی فکرش را هم نمی‌کردید! خاصیت باشگاه همین است.

مربی کارکشته و خبره به جزع و فزع و ناله شاگردان هنگام تمرین اصلاً توجه نمی‌کند. آنچه برای مربی مهم است، موفقیت و پیشرفت روزافزون شاگرد، افزایش توانایی‌های جسمی و رفع آسیب‌دیدگی‌های اوست؛ زیرا مربی وسعت دید دارد. می‌داند که اگر شاگردش با این ناتوانی‌ها به سن کهنسالی برسد، چه رفتاری‌هایی خواهد داشت؛ لذا از همین امروز، فکر فردای شاگرد را می‌کند.

خداوند هم به‌عنوان رب و مربی، همین کار را با ما می‌کند. ما را در شرایطی سرشار از تضاد و تعارض قرار می‌دهد، تا اندوخته‌های درونی‌مان بیرون بریزد و نقاط ضعف و قوت‌مان آشکار گردد، تا مبادا این نقطه‌ضعف‌ها را با خودمان به برزخ و قیامت ببریم و گرفتار عذاب شویم. شناخت نقاط ضعف اولین و مهم‌ترین قدم در اصلاح و تزکیه نفس است. پس از آن، مهم‌ترین قدمی که باید برداشته شود، تلاش برای کسب دارایی‌های سالم متناسب با حیات ابدی است. این دارایی‌ها همان اسماء الهی هستند؛ درواقع

امتحانات الهی علاوه بر زمینه‌سازی برای بروز نقاط ضعف و قدرت، زمینه را برای کسب اسماء الهی نیز فراهم می‌کنند، اما چگونه؟

کسب اسماء الهی در سایه امتحانات

همان‌طور که قبلاً گفتیم، عالم آخرت عالم تجلی باطن است و کسانی در آخرت ثروتمندند، که اسم‌های بیشتری از خدا کسب کرده و از لحاظ باطنی به خدا و معصومین (علیهم‌السلام) که کامل‌ترین جلوه‌های خدا هستند، شبیه‌تر باشند. از آن‌جا که روح ما از جنس خداست، همه اسماء و صفات الهی در درون‌مان به‌صورت بالقوه وجود دارد. تنها کاری که ما باید انجام بدهیم به فعلیت رساندن و شکوفا کردن آن‌هاست؛ در نتیجه بخش دیگری از فلسفه امتحانات الهی، زمینه‌سازی برای جوشیدن اسماء الهی از درون نفس افراد است.

خدا با شناختی که از ما دارد، دقیقاً می‌داند که در کدام قسمت‌های وجودمان ضعف داریم و این ضعف‌ها چه تبعات سنگینی در دنیا و آخرت دارد. از این رو، امتحاناتی برای‌مان طراحی می‌کند که در سایه آن‌ها، ضعف‌های شخصیتی و رفتاری ما بالا بیایند و خودشان را نشان دهند. به طور مثال، ممکن است ما شخصیتی زودرنج و حساس داشته باشیم و از آن دسته افرادی باشیم، که خیلی زود از دیگران می‌رنجند و کینه به دل می‌گیرند. زودرنجی و کینه‌جویی، خصلت‌هایی بسیار خطرناک و جهنم‌سازند و اگر قبل از وفات از نفس ما کنده نشوند، درمان آن‌ها در برزخ با دردها و عذاب‌های بسیار شدید همراه خواهد بود. خداوند این‌ها را می‌داند و از آن‌جا که عاشق ماست و نمی‌خواهد گرفتار عذاب شویم، مثل یک مربی دلسوز وارد عمل می‌شود و با طراحی امتحاناتی متناسب با برون‌ریزی این خصلت‌ها، تلاش می‌کند ما را هوشیار کرده و از خواب غفلت بیدار کند؛ مثلاً ممکن است افرادی را سر راهمان قرار دهد، که دائماً به این نقطه ضعف فشار بیاورند و با طعنه، کنایه و زخم زبان ما را برنجانند، تا یاد بگیریم آستانه تحمل‌مان را بالا ببریم؛ آن‌قدر که شنیدن زخم زبان‌های دیگران مثل آب خوردن برای‌مان راحت شود و دیگر سر سوزنی آرامش‌مان را به

هم نریزد. شاید فکر کنید چنین چیزی شدنی نیست! اما معصومین (علیهم‌السلام) و اولیاء خدا ثابت کرده‌اند که می‌شود به این توانایی رسید و در این خصوص داستان‌های فراوانی از زندگی آن‌ها نقل شده است.

اگر کسی موفق شود به این مرحله برسد، به اسم «صبور» و «حلیم» خدا دست پیدا می‌کند. نهادینه شدن هر یک از اسماء خدا در نفس انسان، مثل خورشیدی است که می‌درخشد و دائماً نور و بهشت تولید می‌کند؛ بهشتی که ظهوراتش در رفتارها، نگاه‌ها و سخنان چنین افرادی کاملاً ملموس است و دیگران را ناخودآگاه به سمت آن‌ها می‌کشاند. البته همه این‌ها در صورتی اتفاق می‌افتد که ما با امتحاناتی که سر راهمان قرار می‌گیرد، درست برخورد کنیم و به پیام‌های خدا که در لابه‌لای این امتحانات تعبیه شده، گوش جان بسپاریم؛ وگرنه سختی امتحانات ما را افسرده و خموده می‌کند، بی‌آنکه چیزی از آن‌ها عایدمان شود و این خسران محض است!

در کنار نکاتی که در مورد فلسفه امتحانات الهی گفتیم، نکته مهم دیگری نیز وجود دارد و آن، سرمایه بودن این امتحانات است. مصیبت‌هایی که در زندگی به ما وارد می‌شوند، حکم یک صندوق پس‌انداز را دارند که در شرایط سخت برزخ و قیامت و آن‌جا که موجودی حساب‌مان ته کشیده و دست‌مان از اعمال خیر خالی است، به دادم‌مان می‌رسند و خداوند در ازای تک‌تک آن‌ها پاداش‌هایی به ما می‌دهد که اصلاً قابل تصور نیست! اگر از این زاویه به سختی‌های زندگی نگاه کنیم، صبر بر آن‌ها نه تنها سخت نیست، بلکه لذت‌بخش است.

شما چه چیزهای دیگری در مورد فلسفه امتحانات الهی و نقش آن‌ها در زندگی انسان می‌دانید؟ آیا تجربه شخصی یا خاطره جالبی در این زمینه دارید؟ اگر رشدی از دل این امتحانات برای‌تان حاصل شده، ما را هم در لذت آن شریک کنید.